

بررسی تطبیقی زمان تشکیل عقد در عقود مکاتبه‌ای در حقوق ایران، مقررات کنوانسیون ۱۹۸۰ وین و حقوق انگلیس

عباداله رستمی چلکاسری*

استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۴)

چکیده

در خصوص زمان انعقاد و تشکیل عقود مکاتبه‌ای یا عقودی که بدون حضور طرفین در مجلس عقد منعقد می‌گردد، اتفاق نظر وجود ندارد، به گونه‌ای که اختلاف نظر در این مورد منجر به تشکیل چهار نظریه با عناوین: ۱- نظریه اعلان قبولی ۲- نظریه ارسال قبولی ۳- نظریه وصول قبولی ۴- نظریه اطلاع از قبولی گردیده است که با توجه به مبانی حقوقی حاکم بر هر سیستم حقوقی و نحوه تفسیر اراده طرفین برای انشاء عمل حقوقی هر یک از نظرات مزبور طرفدارانی دارد، به گونه‌ای که در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین نظریه وصول، در حقوق انگلیس نظریه ارسال پذیرفته شده و حقوق ایران نیز به لحاظ عدم تصریح مقنن و با عنایت به قواعد عمومی حاکم بر نحوه انشاء عقود، نظریه ارسال قابلیت تطبیق و پذیرش بیشتری از چهار نظریه مزبور دارد.

کلیدواژه‌ها: عقود مکاتبه‌ای، انعقاد، اعلام، ارسال، وصول، اطلاع.

مقدمه

در جایی که عقد با حضور طرفین و در یک مجلس منعقد می‌گردد و یا در مورد عقود تلفنی به لحاظ عدم وجود فاصله زمانی بین ایجاب قبول، تعیین زمان انعقاد عقد با مشکل خاصی روبرو نیست و به لحاظ آنکه عقد با انضمام آخرین جزء آن یعنی قبول منعقد می‌گردد و قبول نیز در زمانی که ایجاب صورت می‌گیرد و یا با فاصله زمانی بسیار اندک به آن منضم می‌شود، لذا عقد در همان زمان انضمام قبول به ایجاب منعقد می‌گردد. ولی زمانی که ایجاب و قبول با فاصله زمانی از یکدیگر واقع می‌گردند، تعیین اینکه قبول در چه زمانی واقع گردیده است تا با انضمام آن به ایجاب عقد را تشکیل شده بدانیم، ساده نخواهد بود. علی‌الخصوص زمانی که ایجاب و قبول به وسیله نامه یا تلگرام انجام می‌گیرد، در خصوص تعیین زمان دقیق قبولی یا زمانی که بتواند اماره بر اعلام قبولی و نشانگر زمان انعقاد عقد باشد بین حقوقدانان و حتی سیستم‌های حقوقی مختلف موجود در جهان، اختلاف نظر وجود دارد؛ لذا چهار نظریه معروف به اعلام، ارسال، وصول و اطلاع مطرح گردیده است که هر یک بنا به توجیهاتی که از سوی طرفداران آنها ابراز شده، مورد قبول و عمل واقع گردیده‌اند.

بر مبنای نظریه اعلام (اعلام قبول)، زمانی که قبول کننده با سنجش و ارزیابی خودش از ایجاب واصله انجام معامله را ترجیح داده و قبولی اش را نسبت به ایجاب مزبور اعلام می‌کند، عقد را باید منعقد شده بدانیم و دیگر نیازی به پذیرش نظریات بعدی راجع به ارسال، وصول و یا اطلاع نمی‌باشد. البته اعلام نیز باید همراه با آشکار کننده بیرونی باشد تا بتوان آنرا اثبات نمود وگرنه چنانچه صرفاً بخواهیم به اراده باطنی قبول کننده متکی باشیم، هر لحظه باید منتظر آن باشیم که زمان انعقاد عقد را قبول کننده تعیین نماید و چه بسا هر آن از قبول خود عدول نماید.

طرفداران نظریه «ارسال»، با تکیه بر ایرادهای فوق، صرف اعلام قبول را برای تعیین زمان انعقاد عقد کافی ندانسته و معتقدند که تا قبل از ارسال قبولی از طریق پست، همواره مشکلات مزبور قبول صورت گرفته را تهدید می‌کند ولی زمانی که قبولی پست گردیده، دیگر می‌توانیم مطمئن باشیم که قبولی صورت گرفته و عقد را منعقد شده بدانیم؛ هر چند که قبول کننده بعداً با پست و یا وسیله ای سریع‌تر، از قبول خود عدول نماید که این عدول علی‌الاصول قابل قبول نبوده و یک ایجاب جدید نسبت به موجب خواهد بود که ممکن است مورد قبول وی قرار گیرد یا خیر، این قاعده در حقوق اروپایی به قاعده پستی^۱ شهرت یافته است، عده‌ای دیگر با تکیه بر اینکه چه بسا بر اثر کم کاری های پست یا هر حادثه و عامل دیگری نامه حاوی قبولی، گم شده و یا به هر حال

1 -postal rule

بدست موجب نرسد، لذا باید زمانی قبولی را تمام شده بدانیم که قبولی بدست ایجاب کننده برسد؛ هرچند هنوز از آن اطلاع حاصل ننموده، چرا که با وصول قبولی بدست موجب دیگر خطر گم شدن، تاخیر و یا استرداد و امثالهم منتفی است و اطلاع ایجاب کننده از قبولی دیگر ضرورتی ندارد. بر مبنای این نظریه گفته شده است که در هنگام اختلاف هیچ نشانه قاطعی برای اطلاع گوینده ی ایجاب از قبول وجود ندارد و در نتیجه او می تواند آگاهی از قبول را به زمانی اختصاص دهد که منافع بیشتری داشته باشد و باز هم همان مشکلات نظریه اعلام کماکان وجود دارد. پس برای جلوگیری از سوءاستفاده بایستی وصول نامه قبول به اقامتگاه گوینده ایجاب را اماره اطلاع او قرار داد.

پیروان نظریه «اطلاع» از قبول معتقدند زمانی عقد کامل گردیده و منعقد می شود که گوینده ایجاب از قبولی اطلاع حاصل نماید؛ چرا که هریک از متعاقدين می بایستی از مفاد تصمیم طرف دیگر عقد مطلع شود و ایجاب کننده نیز تا زمانی که از مفاد قبول آگاهی حاصل نکرده علاقه ای به متعهد کردن خودش ندارد.

این دیدگاه چنین مورد انتقاد برخی قرار گرفته است که در این صورت دچار یک دور و تسلسل خواهیم شد؛ چرا که اطلاع از پذیرش قبولی توسط موجب، برای قبول کننده نیز ضرورت پیدا خواهد کرد و این دور همچنان بلاانقطاع استمرار خواهد داشت و شاید بتوان گفت تعیین زمان انعقاد عقد بین متعاقدين غایب امکان پذیر نیست.

لذا با بیان مختصر نظریات موصوف و با توجه به موضوع مقاله که معطوف به زمان انعقاد عقد با توجه به مقررات کنوانسیون، حقوق انگلیس و مقایسه آن با حقوق ایران می باشد؛ به جستجوی نظریات مورد قبول در کنوانسیون، حقوق انگلیس، و نیز سیستم حقوقی کشورمان خواهیم پرداخت.

نظریه مورد پذیرش در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین:

برای یافتن سیستم مزبور، در آغاز باید ببینیم که کنوانسیون، عقد را در چه زمانی واقع شده می‌داند. با عنایت به ماده ۲۳ کنوانسیون «قرارداد از لحظه ای که قبول ایجاب نافذ می شود منعقد می‌گردد» و لذا با این قاعده باید ببینیم که قبولی در چه زمانی نافذ می‌گردد که با توجه به مواد مختلف کنوانسیون زمان نفوذ قبولی به طور یکسان تعیین نشده است.

مرحوم دکتر شهیدی در خصوص لحظه انعقاد عقد از نظر کنوانسیون بیان داشته‌اند: «با دقت در عبارات بند ماده ۱۸ به نظر می‌رسد که زمان تشکیل عقد، زمان اطلاع ایجاب کننده از قبول مخاطب ایجاب است نه زمان دریافت عبارات حاکی از قبول، زیرا معنی بارز عبارت (indication)

دلالت و نشانه بودن است و در نتیجه معنی رسیدن دلالت (reach of indication) (و نه دلالت کننده) به ایجاب کننده، نشان داده شدن و معلوم شدن قبول ایجاب، برای ایجاب کننده است که این معنی با همان نظریه اطلاع (System de l'information) در اصطلاح حقوق فرانسه، تطبیق می‌کند نه با نظریه وصول که صرفاً با رسیدن شیئی دلالت کننده بر اراده قبول مخاطب ایجاب به دست ایجاب کننده و پیش از اطلاع او از قبولی مزبور محقق می‌گردد.» (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۶)

توجیه مزبور در انطباق مقررات مقرر در بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون با نظریه اطلاع در هیچ یک از تفاسیر مقررات کنوانسیون مورد قبول واقع نگردیده است و آنچه از ظاهر عبارات به کار رفته در متن کنوانسیون نیز بر می‌آید به غیر از این مطلب دلالت ندارد که از بین نظرات چهارگانه اعلام، ارسال، وصول و اطلاع، کنوانسیون در بند ۲ ماده ۱۸ نظریه وصول را پذیرفته و با توجه به عین مندرجات بند ۲ ماده ۱۸ که بیان می‌دارد:

"18(2) An acceptance of an offer becomes effective at the moment the indication of assent reaches the offeror ..."

«۱۸ - ۲ - قبول ایجاب در لحظه‌ای که اعلام رضا به پیشنهاد دهنده (ایجاب کننده) می‌رسد نافذ می‌گردد.»

در متن عربی بند مزبور آمده است:

«يحدث قبول الايجاب اثره من اللحظة التي يصل فيها الى الموجب ما يفيد الموافقة»

در ترجمه های مختلفی که از متن کنوانسیون به زبان فارسی صورت گرفته است نیز، تماماً به وصول قبول به دست ایجاب کننده اشاره شده است و اطلاع ایجاب کننده از مفاد قبولی را لازم ندانسته اند و با تعبیری که در متون انگلیسی و عربی کنوانسیون هم انعکاس داشت لحظه وصول قبولی (آن چه افاده موافقت نماید) مد نظر بوده است و این چنین افاده ای همانا برخاسته از مفاد بند ۱ ماده ۱۸ می‌باشد که غیر از سکوت، هر اظهار یا فعل دیگر مخاطب ایجاب را، که حاکی از رضایت به ایجاب باشد قبولی محسوب داشته است. بند ۲ ماده ۱۸ چیزی غیر از این را که این مفاد به ایجاب کننده برسد و مقصود از رسیدن نیز صرف رسیدن است نه اطلاع از مفاد قبولی از سوی ایجاب کننده، یا چیز دیگر را بیان نمی‌کند.

عده ای دیگر از حقوقدانان کشورمان، نظریه وصول را به عنوان نظریه مورد پذیرش کنوانسیون معرفی نموده اند. (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۹۲)

همچنان که گفته شد سیستم های حقوقی در اتخاذ نظر واحد اتفاق نظر نداشته اند ولی کنوانسیون در بند ۲ ماده ۱۸ قاعده (وصول) را برمی‌گزیند و مقرر می‌دارد که: «قبول ایجاب از لحظه ای که اعلام رضا به پیشنهاد دهنده می‌رسد نافذ می‌گردد.»

«اثر این قاعده این است که اگر قبول توسط مخاطب ایجاب ارسال، ولی در اثناء انتقال مفقود شود و هرگز به ایجاب کننده نرسد، قراردادی منعقد نمی شود اصل ۲۴ کنوانسیون ویرژگی های موقعی را که قبول به پیشنهاد دهنده می رسد، ارائه می دهد.» (داراب پور، ۱۳۷۴: ۱/۲۳۰)

ماده ۲۴ کنوانسیون اعلام قبولی را، زمانی به مخاطب آن واصل شده می داند که، به طور شفاهی به وی گفته شود یا به هر طریق دیگری به شخص او، به محل تجارت، نشانی پستی وی یا در صورتی که محل تجارت یا نشانی پستی نداشته باشد به محل سکونت معمولی او تحویل گردد که با این بیان روشن کنوانسیون، دیگر جایی برای تحمیل نظریه اطلاع به بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون باقی نمی ماند.

مفسران کنوانسیون نیز این نظریه را بر نظریات سه گانه دیگر ترجیح داده اند: «لحظه نافذ شدن قبول زمانی است که قبول به ایجاب کننده می رسد»، این موضوع همچنین در ماده ۲۲ کنوانسیون منعکس شده است، این ماده مقرر می دارد:

«قبول به شرطی قابل انصراف است که انصراف، قبل یا هم زمان با قبولی که می بایست نافذ می بوده به ایجاب کننده برسد.»

به عبارت دیگر، انصراف باید قبل از رسیدن قبول یا هم زمان با وصول آن به دست پیشنهاد دهنده برسد، اما در جای دیگری کنوانسیون از قاعده وصول انصراف حاصل کرده، قاعده ارسال را برمی گزیند. ما در هنگام تفسیر بند یک ماده ۱۶ کنوانسیون به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. (رک. ص ۸۷ همین مقاله)

همچنین بند ۳ ماده ۱۸ قبول عملی را به عنوان قبولی کافی دانسته، ولی به هر حال، قبول کننده باید با انجام عملی دال بر قبول نظیر آنچه که مربوط به پرداخت ثمن یا ارسال کالا است اعلام رضا نماید و از لحظه ای که عمل به مرحله اجرا در می آید، قبولی نافذ می گردد، البته قبول این مسئله منوط به رعایت صدر بند مزبور مبنی بر رعایت مفاد ایجاب و رعایت رویه متداول بین طرفین یا عرف و عادت و در نتیجه قبول بدون اعلام به ایجاب کننده، صرفاً به وسیله انجام عملی به شرح فوق صورت گیرد.

پذیرش نظریه وصول از سوی کنوانسیون در بند ۲ ماده ۱۸ به این معنا نیست که هر زمان که قبولی به موجب واصل شود عقد منعقد شده تلقی می گردد، بلکه راجع به تأخیر در قبول نیز ارائه طریق نموده است و ضمن حفظ قاعده وصول مقرر می دارد که اگر ایجاب کننده زمان معینی را برای قبولی تعیین نکرده باشد، مفهوم این مقرر آن خواهد بود که در صورت تعیین مدت معین برای قبولی از سوی موجب، وصولی قبولی در خارج از آن موعد زمانی تأثیری نخواهد شد و باعث انعقاد عقد نخواهد گردید چرا که موجب، زمان قبولی را اعلام کرده و این اعلام به منزله تعیین

مدت اعتبار ایجابش نیز می باشد، که بعد از موعد مزبور ایجابی وجود ندارد تا قبولی بتواند بدان منضم شده و عقد را تشکیل دهد.

در صورتی که موجب زمان معینی را برای قبولی تعیین نکرده باشد قبولی برای این که موثر واقع شود بایستی ظرف مدت معقول و متعارفی به وی برسد، در تعیین اینکه چه چیز در این رابطه متعارف است باید اوضاع و احوالی که منجر به انعقاد عقد شده است؛ از جمله سرعت وسیله ارتباطی بکار گرفته شده، توسط ایجاب کننده مدنظر قرار گیرد. قطعاً مدت معقول و متعارف مورد انتظار در عقود مکاتبه ای و یا تلگرافی، به مراتب بیشتر از مدتی است که برای عقودی که ایجاب و قبول آن به وسیله تلکس یا تلفن صورت می گیرد در نظر گرفته می شود. بنا بر این در ذیل بند ۲ ماده ۱۸، بلافاصله پس از طرح موضوع ایجاب شفاهی، مقرر شده است که ایجاب مزبور باید فوراً قبول شود، مگر اینکه اوضاع و احوال به نحو دیگری دلالت نماید که به نظر می رسد دلالت اوضاع و احوال به گونه دیگر به توافق موجب و قابل و تعیین مدت معینی برای حتی قبول شفاهی بر می گردد.

«اگر قبول در ظرف مدت تعیین شده به ایجاب کننده نرسد و یا چنانچه دوره ای تعیین نشده باشد و قبول در ظرف مدت متعارفی واصل نگردد، این قبول به عنوان یک قبول نافذ محسوب نخواهد شد. لذا ایجاب منقضی شده و قراردادی منعقد نمی شود. با این وجود، قبول با تأخیر ممکن است منجر به پیشنهاد متقابل گردد، که متعاقباً می تواند توسط پیشنهاد کننده اصلی قبول شود.» (داراب پور، ۱۳۷۴: ۲۳۲/۱)

بحث قسمت صدر بند ۲ ماده ۱۸ راجع به موقعیت معمولی بوده که غالباً با بیان و اظهار اعلام می گردد، ولی آیا یک رفتار به تنهایی کافی است که به عنوان قبول نافذ تلقی گردد، یا اینکه مخاطب ایجاب باید علاوه بر آن به ایجاب کننده نیز خبر دهد. «در عمل، این سوال به اندازه ای که انتظار می رود اتفاق نمی افتد، اگر رفتار مشتمل بر پرداخت ثمن باشد، یا بارگیری کالا از طریق هوا یا با وسائل سریع حمل و نقل، دلائل و امارات رضایت ممکن است در جریان طبیعی آنچه اتفاق می افتد در موعد مطلوب به استحضار ایجاب کننده برسد، کافی است که اماره رضایت به ایجاب، از طریق اطلاع دادن شخص ثالثی نظیر بانک یا متصدی حمل و نقل، به ایجاب کننده برسد و مادامی که به طور متعارف از اوضاع و احوال و قرائن چنین چیزی استنباط شود ضرورتی ندارد که صریحاً بیان شود که مخاطب ایجاب، پیشنهاد را قبول کرده است. بنابراین، این موضوع، یعنی مطلع گردانیدن پیشنهاد دهنده و رای عمل و رفتار مخاطب ایجاب، تنها هنگامی حادث می شود که آن عمل یا رفتار، طی زمان متعارف و معقولی نتواند ایجاب کننده را آگاه از قبول نماید.» (داراب پور، ۱۳۷۴: ۲۳۴/۱)

به طور کلی، تئوری مشهور به «وصول»، مورد قبول کنوانسیون قرار گرفته است، با وجود این، یک استثنای محدود به تئوری وصول در بند ۳ ماده ۱۸ پیش بینی شده است که به موجب آن، در حالات خاص، به ویژه اگر عرف و عادت و رویه معمول به طرفین اجازه دهد، انجام عملی، به طور مثال ارسال کالا یا پرداخت ثمن، می تواند به تنهایی موجب نافذ شدن قبول گردد. (صدیقی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۴)

استثنائات وارده بر قاعده «وصول» در کنوانسیون:

با تعمق در مقررات کنوانسیون که در بادی امر نظریه وصول را پذیرا شده، مشاهده می گردد که این نظریه در تمامی موارد کاملاً مورد قبول قرار نگرفته است، چرا که:

اولاً: طبق قاعده عمومی مندرج در ماده ۶ کنوانسیون، طرفین می توانند شمول کنوانسیون را مستثنی کنند، یا با رعایت ماده ۱۲، آثار هر یک از مقررات آن را تغییر دهند، یا از آن عدول نمایند. «همان نحو که طرفین می توانند بر روی این امر توافق نمایند که قبول با سکوت یا عدم اقدام صورت پذیرد، می توانند همچنین توافق نمایند که رفتار و عمل مخاطب ایجاب بدون دادن اطلاع منجر به قبول گردد. برای مثال، اگر یک توافق امتیازی دراز مدت مقرر دارد که سفارش امتیاز گیرنده برای کالا، باید در موقعی که امتیاز دهنده کالا را بارگیری می کند، قبول شده محسوب کرد، ولو اینکه خبر بارگیری به امتیاز گیرنده هم اعلام نشده باشد؛ بارگیری کالا توسط امتیاز دهنده بدون هیچگونه اعلام دیگری منجر به قبول خواهد شد. علاوه بر این، همانند مورد سکوت، عرف و عادت و رویه های معمول بین طرفین هم ممکن است نشان دهد که از اصول کنوانسیون با یک توافق عدول شده است.» (داراب پور، ۱۳۷۴، ص ۲۳۳)

ثانیاً: همچنانکه پیش از این نیز مطرح گردید بند ۳ ماده ۱۸ نیز از قاعده وصول عدول کرده و انجام عمل را جهت تحقق قبولی کافی دانسته است و لذا نیازی به وصول اعلام قبولی به ایجاب کننده نخواهد بود.

ثالثاً: مقرر مندرج در بند یک ماده ۱۶ نیز ضمن عدول از نظریه وصول نظریه ارسال را پذیرفته است.

ماده مرقوم بیان می دارد:

«۱۶ - ۱ - امکان دارد از یک پیشنهاد (ایجاب)، مادامی که قرارداد منعقد نشده عدول نمود، مشروط بر اینکه عدول از پیشنهاد پیش از آنکه مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد به دست وی برسد.»

البته در چنین مواردی، حقوقدانان، قاعده ارسال را به جای قاعده وصول نمی پذیرند و صرفاً بند یک ماده ۱۶ را دلیل بر غیر قابل رجوع شدن ایجاب از زمان ارسال قبولی به بعد می دانند، لذا چنانچه قبول ایجابی در اول اردیبهشت ارسال شود و در دهم اردیبهشت به ایجاب کننده برسد، نشانگر این مطلب است که ایجاب کننده از تاریخ اول اردیبهشت، حق عدول از ایجاب را از دست داده، از تاریخ مزبور، ایجاب غیرقابل رجوع گشته است و از تاریخ دهم اردیبهشت که قبول ایجاب به ایجاب کننده واصل گردیده عقد منعقد شده است.

به طور خلاصه، یک پیشنهاد نافذ را می توان پس گرفت، مشروط بر اینکه قرارداد منعقد نشده، قبول هم ارسال نگردیده باشد. (داراب پور، ۱۳۷۴، ص ۲۱۶)

هر چند ممکن است بدو از ظاهر بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون تلویحاً استفاده شود که عقد در زمان ارسال قبول تشکیل یافته است و به همین جهت ایجاب کننده پس از تشکیل عقد نمی تواند ایجاب خود را از بین ببرد؛ اما با دقت در عبارت همین ماده که قابلیت رجوع از ایجاب را در مدت عدم انعقاد عقد مورد توجه قرار داده است می توان استنباط کرد که عدم امکان رجوع از ایجاب پس از ارسال قبول نیز مربوط به زمانی است که عقد منعقد نشده است که از این وضعیت، عدم تشکیل عقد با ارسال قبول فهمیده می شود. (شهیدی، ۱۳۷۷، صص ۲۲۶ و ۲۲۷)

نویسندگان کتاب تفسیری بر حقوق بین المللی، پذیرش سیستم ارسال را که پذیرش جهانی بیشتری داشته و می تواند نشان دهنده اعلام قبولی را که اماره بر اعلام اراده قابل باشد، بهتر از قاعده وصول می دانند؛ با این بیان که: می توان به نفع قاعده ارسال چنین استدلال نمود که اگر یک قبولی در اثناء انتقال مفقود شود، معقول تر این است که از پیشنهاد دهنده انتظار داشت که زحمت تحقیق این مطلب را بکشد و از مخاطب ایجاب سؤال کند که چرا جوابی به پیشنهاد داده نشده، تا این که از مخاطب ایجاب انتظار رود که با تحمل مشکلات و سریعاً از ایجاب کننده استعلام نماید که چرا پاسخی به قبول وی داده نشده است. اگر این مطلب صحیح باشد منصفانه تر این خواهد بود که قاعده ارسال پذیرفته شود، زیرا مسئولیت را برعهده ی ایجاب قرار می دهد. (داراب پور، ۱۳۷۴، ص ۲۳۵) در بیان دفاع از قائل شدن کنوانسیون به نظریه وصول اظهار می دارند که: «به نفع قاعده وصول نیز می توان اینگونه استدلال نمود که، وظیفه مخاطب است که رعایت احتیاطات لازمه را بنماید تا قبول مفقود نگردد و لذا منصفانه تر است که بار مسئولیت بر عهده ی مخاطب ایجاب قرار داده شود. (همان)

آیا سکوت قبول کننده می تواند به عنوان قبولی تلقی شود؟

از آنجا که لحظه تحقق قبولی، در سرنوشت عقد و تعیین زمان انعقاد آن نقش به سزایی دارد، پاسخ به این سوال ضرورت پیدا می کند. در حقوق ایران بر سکوت اثری مترتب نگردیده، به

اصطلاح آن را اعم از رضا دانسته اند، کنوانسیون نیز صراحتاً سکوت یا عدم اقدام را فی نفسه منجر به قبول محسوب ننموده است، ولی چنانچه عمل ایجاب کننده به صورتی در ایجاب منعکس شده باشد که سکوت قبول کننده را نیز قبول تلقی نماید، می‌تواند از نظر کنوانسیون قبولی تلقی گردد؛ چنانچه ایجاب کننده در ایجابش اعلام نماید که اگر ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ ایجاب، از طرف شما (قبول کننده)، خبری دریافت نکنم، ایجاب را قبول شده تلقی خواهم کرد» یا در مثال‌های دیگری در خصوص توزیع کننده روزنامه که با انداختن شماره‌ای از روزنامه به در منزل یا اقامتگاه اشخاص حقوقی، اعلام نماید که در صورت عدم استرداد روزنامه، به عنوان آبونمان روزنامه تلقی شده و باید حق اشتراک بپردازد. صرف بیانات موجب به صورت‌های مزبور نمی‌تواند عقد را بر قبول کننده، تحمیل نماید ولی چنانچه با توجه به ایجاب موجب، شخص قبول کننده هم بخواهد با وی موافقت نموده و با سکوت خویش، خود را ملتزم به عقد نشان دهد، می‌توان با استفاده از مقرره موجود در بند یک ماده ۱۸ کنوانسیون چنین سکوتی را «قبول» تلقی نمود.

از آنجایی که کنوانسیون اعلام می‌دارد، پیشنهاد دهنده در هیچ اوضاع و احوالی نمی‌تواند به سکوت، اثر قبول دهد راه برای قضاوت یا داوران باز خواهد بود تا بررسی نمایند، آیا مخاطب ایجاب با تقریر چنین مقررره‌ای در پیشنهاد داده شده به وی مغرور شده و بر سکوت خود به عنوان قبول اتکاء کرده است یا خیر. «اگر چنین باشد باید ایجاب کننده را از انکار این که سکوت مخاطب ایجاب، منجر به قبول شده بازداشت، حتی اگر این تفسیر منجر به وضعیتی شود که در آن وضعیت مخاطب ایجاب بتواند ایجاب کننده را ملتزم بداند ولی ایجاب کننده نتواند چنین التزامی را بر عهده مخاطب ایجاب قرار دهد.» (داراب پور، ۱۳۷۴، ص ۲۳۵ و ۲۳۶)

قواعد حاکم بر قصد اجازه نمی‌دهد که ایجاب کننده وظیفه پاسخ دادن را به ایجاب شونده تحمیل نماید. به عنوان مثال در اول ژوئن فروشنده یک ایجاب مبنی بر فروش نوع و مقدار خاصی از کالا را با قیمت معین برای خریدار فرستاد و افزود که این ایجابی است که من چنانچه تا ۱۵ ژوئن پاسخی از شما نشنوم آن را قبول شده تلقی خواهم کرد. خریدار پاسخ نداد، فروشنده، کالا را در ۱۶ ژوئن حمل کرد. به استناد بند یک ماده ۱۸ کنوانسیون، هیچ قراردادی منعقد نشده است و خریدار می‌تواند از دریافت و تحویل کالاها امتناع نماید. این مقررات بیان می‌دارد که سکوت یا عدم اقدام، به خودی خود، منجر به قبولی نمی‌شود، بنابراین مشخص می‌گردد که در شرایط و اوضاع و احوال خاصی، سکوت می‌تواند قبولی محسوب گردد. مثلاً: خریدار در اول ژوئن چنین نامه‌ای را برای فروشنده فرستاد که: لطفاً قیمت این کالاها را تعیین کن (با کیفیت و کمیت مشخص). چنانچه در مدت ۳ روز بعد از دریافت قیمت تعیین شده از سوی شما، از طرف من پیغامی دریافت نکردید ایجاب خود را قبول شده بدانید، فروشنده در سوم ژوئن مظنه را به خریدار تحویل داد. تا

دهم ژوئن پاسخی نداد؛ زمانی که به قیمت های تعیین شده اعتراض کرد در چنین حالتی سکوت خریدار، یک قبولی نسبت به ایجاب فروشنده بود برخلاف مثال قبلی آنجا که ایجاب کننده سعی در مجبور کردن ایجاب شونده به پاسخ داشت وظیفه پاسخ در اینجا بر عهده ایجاب شونده مفروض بوده که پاسخ نداد. ماده ۶ کنوانسیون که اجازه عدول از مقررات کنوانسیون را داده و نیز ماده ۹ کنوانسیون که طرفین را به هرگونه عرف مورد توافقشان ملزم می داند موید ادعا در خصوص امکان پذیرش سکوت به عنوان قبولی است. (Honold'1999'pp219'219)

ولی به هر حال، برای تعیین زمان انعقاد عقد، نیازمند به این هستیم که سکوت نیز به نحوی به ایجاب کننده وصل شود، البته شاید کمی خنده دار به نظر آید که سکوت چگونه اعلام شود، ولی به هر حال با توجه به نظریه وصول که مورد پذیرش واقع شده و استثنائات آن از قبیل قبول عملی یا مطابق رویه مورد عمل طرفین یا عرف و عادت متداول، به ویژه با توجه به مثال اخیر که خریدار سکوت خود را دال بر قبول تلقی نموده، به نظر همین اندازه برای تحقق قبولی کفایت می کند؛ ولی به هر حال می بایستی به وسیله دلائل، قرائن و امارات دیگر از جمله حوادث و وقایع متعاقب سکوت مزبور، زمان آن و بالاخره و در نتیجه زمان انعقاد عقد مشخص گردد، به نظر می رسد با تعیین زمان سکوت مخاطب چنین ایجابی، پس از وصول ایجاب، باید آن را در همین زمان، قبول شده تلقی و زمان انعقاد عقد را هم در همین زمان دانست. در حقوق انگلیس نیز، بر سکوت به عنوان قبولی اثری مترتب نگردیده است. بنا بر این، یک رضایت ذهنی اعلام نشده کفایت نمی کند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸، ص ۲۹)

نظریه مورد پذیرش در حقوق انگلیس:

با بررسی نظرات مختلفی که از سوی حقوقدانان راجع به پذیرش نظریه منتخب از بین چهار نظریه موصوف به عمل آمده مشخص می گردد که:

قاعده کلی این است که قبولی، باید به ایجاب کننده اعلام شود و قبولی زمانی به صورت معتبری اعلام می شود که واقعاً به ایجاب کننده برسد، البته این قاعده کلی در خصوص قبولی در تمامی عقود می باشد ولی در عقود که بدون حضور طرفین و به صورت مکاتبه یا به وسیله تلگراف صورت می گیرد این قاعده کلی با استثنا مواجه می شود.

قاعده اعلام قبولی به ایجاب کننده یک قاعده مطلق نیست؛ ممکن است شرایط ایجاب، اقتضاء نماید که لزومی به اعلام قبولی نباشد یا خود ایجاب کننده با عملکرد خویش از بحث در خصوص اعلام قبولی جلوگیری کند ولی پیچیده ترین استثناء به اعلام قبولی، مربوط به قبولی پستی است.

نظرات مختلفی در این باب وارد شده است به عنوان یک موضوع مهم از تئوری مزبور که باید اعلام شود این است که هر یک از طرق ممکن می‌تواند لحظه موثر شدن قبول پستی را بیان نماید. لحظه‌ای که نامه پست می‌شود، زمانی که نامه به آدرس ایجاب کننده می‌رسد (واصل می‌شود) یا لحظه‌ای که ایجاب کننده آن را می‌خواند (از آن مطلع می‌شود).

نظریه پذیرفته شده در کشورهای تابع حقوق کامن لا^۱، نظریه ارسال قبولی دانسته شده است (Hans Smit'1981'p63) و در حقوق انگلیس نیز همین نظر به تبعیت از سیستم مزبور نظریه ارسال مورد پذیرش قرار گرفته است که می‌توان آن را در پرونده آدامز و لیندزل (سال ۱۸۱۸) دید، به این معنا که قبول، زمانی صورت می‌گیرد که نامه قبولی به وسیله قبول کننده پست می‌شود این نظریه به چند جهت توجیه می‌شود:

۱- دفتر پست نماینده ایجاب کننده است و لذا وصول نامه توسط نماینده پست معادل وصول ایجاب کننده است که از این توجیه انتقاد به عمل آمده است که به هر صورت نمی‌توان گفت که دفتر پست نماینده ایجاب کننده است چرا که دفتر پست قدرت انعقاد قرارداد به نمایندگی از سوی ایجاب کننده را نخواهد داشت.

۲- ایجاب کننده مذاکرات را از طریق پست شروع کرده است، لذا خطر (ریسک) تاخیر یا گم شدن نامه در پست باید به وی تحمیل شود. با این حال، ضرورتاً ایجاب کننده ای که از طریق پست شروع به مذاکره کرده مستحق این تحمیل نیست عیناً می‌توان چنین ادعایی را در مورد قبول کننده ای که مذاکرات را از طریق پست با رسیدن به شرایطی که برای تجارت مهیاست شروع کرده است مطرح نمود. با این حال، باید اذعان داشت این توجیه برخی عناصر معتبر را دارا است چرا که در قضیه هینتور و فریزر (۱۸۹۲) این نظر مطرح شد که قاعده پستی صرفاً زمانی اعمال می‌شود که استفاده از آن معقول و متعارف باشد.

۳- قبول کننده نباید زمانی که قبولی اش را ارسال کرد متضرر شود و باید بتواند بر تاثیر قبولی اش اعتماد کند، این بحث، بحث عجیبی است ولی می‌تواند با مقرر نمودن این که زمانی که قبولی پست شد ایجاب کننده نتواند ایجابش را پس بگیرد، حل شود البته باز به این معنا نخواهد بود که قبولی در زمان پست واقع شده است. (MacKenderick'2000'pp42'47) به محض اینکه نامه قبولی پست شود یا در اختیار یک مامور پست که می‌تواند نامه را پست کند قرار گیرد معتبر است. زمانی که پست وسیله مناسبی برای ارتباط بین طرفین قرارداد باشد قاعده پستی اعمال می‌شود مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. (Brown' 2009' p.123)

در کتاب دیگری عین عبارت آمده و نویسنده قواعد زیر را نسبت به قبول پستی قابل اعمال دانسته است. (Padfield'2007'p. 120)

۱- یک ایجاب تا زمانی که به ایجاب شونده نرسد اثری ندارد؛ وقتی ایجابی بوسیله پست صورت گرفته باشد زمانی که به دست ایجاب شونده برسد موثر است نه زمانی که نامه پست شده است. در پرونده آدامز و لیندزل نامه ایجابی برای فروش پشم به یک قیمتی نوشته شده و تقاضای پاسخ به وسیله پست ارسال شد نامه به درستی اداره نشده و در ۵ سپتامبر به ایجاب شونده رسید، پاسخ قبول بلافاصله فرستاده شد و در تاریخ ۹ سپتامبر به ایجاب کننده رسید، ولی پشم در ۸ سپتامبر فروخته شده بود. در چنین پرونده ای نظر داده شده که بین ایجاب کننده و ایجاب شونده قرارداد صحیحی منعقد شده است؛ چرا که ایجاب در اولین فرصتی که رسیده قبول شده است.

۲- وقتی که ایجاب بوسیله پست صورت گرفته و قبول شده است، قرارداد در لحظه ای که نامه قبول ایجاب پست شده است، منعقد شده هرچند هرگز به مقصد نرسد در پرونده H و G، G زمینه را برای خرید سهام یک شرکت فراهم کرد یک نامه تخصیص سهام به آدرس وی پست شده ولی هرگز به دست وی نرسید، نظر داده شد که قرارداد در زمان پست قبولی کامل بوده و G سهامدار شرکت گردید.

قاعده این است که وقتی قبولی بوسیله پست درخواست شده باشد، یا وقتی که یک روش مناسب و معقول برای برقراری ارتباط بین طرفین تلقی شود، قبول به محض پست شدن نامه قبولی محقق می گردد؛ حتی اگر رسیدن نامه مواجه با تاخیر شده، از بین برود و یا در پست گم شود، به طوری که هیچگاه به ایجاب کننده نرسد. به نظر می رسد که این قاعده در مورد اعلام قبولی بوسیله تلگرام، از جمله پیامهای تلگرافی داخلی نیز اعمال می شود ولی در مورد شیوه های آنی و همزمان مثل تلفن، تلکس و احتمالاً دستگاههای فاکس اعمال نمی گردد چرا که روشهای اخیر بلحاظ ارتباط مستقیم طرفین عقد و ارسال سریع و بدون فاصله زمانی قبول بعد از ایجابی که از سوی ایجاب کننده واقع شده است تفاوتی با عقود حضوری ندارند.

قاعده پستی عمده‌تاً یک قاعده مبتنی بر سهولت است و معمولاً برین اساس توجیه می شود که اگر ایجاب کننده پست را به عنوان وسیله ای برای به وجود آمدن یک قرارداد برگزیده باشد، باید خطرات نهفته در این وسیله را نیز بپذیرد. قاعده پستی در موارد زیر اعمال نمی شود در این مورد دادگاه ممکن است نتیجه بگیرد که قرارداد در زمان «وصول» نامه قبولی بوجود می آید، اگر زمان وصول نامه (مدت اعتبار) ایجاب به پایان رسیده باشد در صورت عدم اعمال قاعده پستی ممکن است اصلاً قراردادی به وجود نیاید:

۱- در جایی که نامه قبولی به درستی پست نشده باشد، مثل دعوایی که در آن نامه قبولی به مامور پستی داده شده بود که فقط مجاز به تحویل دادن نامه و نه تحویل گرفتن آن بود. بعنوان مثال در دعوی "Re London and Northern Bank (1900)" کارمند بانکی در ساعت ۷/۳۰ صبح روز ۲۷ اکتبر نامه بانک را خطاب به شخصی به نام جونز، که طی آن پیشنهاد وی دایر بر خرید سهام بانک مورد قبول واقع شده بود، به اداره مرکزی پست لندن برد تا آنرا پست کند، در بیرون اداره پست یک نفر پست چی نامه را از کارمند گرفت تا آنرا برای وی پست کند، پستی سپس به درون اداره پست رفته و بعداز بازگشت اظهار داشت ترتیب کار را داده است. از سوی دیگر، آقای جونز به وسیله نامه ای که در ساعت ۸/۳۰ صبح روز ۲۷ اکتبر به بانک داده شده و در ساعت ۹/۳۰ توسط منشی بانک باز شده بود، ایجاب خود را پس گرفت، در حالی که نامه قبولی بانک که به جای اداره مرکزی در یکی از دفاتر پستی حومه شهر پست شده بود، در ساعت ۷/۳۰ بعدازظهر همان روز به دست آقای جونز رسید، دادگاه مقرر کرد چون اداره پست تصریح می‌کند که پست چی ها حق گرفتن نامه از مردم را ندارند. بانک نتوانسته است اثبات کند که نامه قبولی را قبل از ساعت ۹/۳۰ پست کرده بنابراین ایجاب آقای جونز به طور صحیحی پس گرفته شده بوده است.

۲- در جایی که نامه آدرس درستی ندارد، منبع مستقیمی در مورد این نکته وجود ندارد ولی تصمیم متخذه در یک دعوی مشابه از این نظر حمایت می‌کند. جی اچ تریتل اظهار داشته است که پذیرش یک قاعده انعطاف‌پذیر در این مورد، ممکن است گاهی به ضرر ایجاب کننده تمام شود و قاعده بهتر آن است که قبولی ارسال شده به آدرس نادرست، در زمانی اثر خواهد داشت که کمتر از زمان های دیگر، به نفع مسئول نادرستی آدرس باشد.

۳- در جایی که شروط صریح ایجاب، قاعده پستی را مستثنی سازد، یعنی اگر در ایجاب تصریح شده باشد که قبول باید به موجب برسد، در دعوی هالول علیه هیوز در سال ۱۹۷۴ که در آن بنا بوده است که ایجاب به وسیله اعلامیه کتبی مورد قبول واقع گردد، قاعده پستی قابل اعمال تلقی نشده در این مورد اعلام عملی ضروری بود.

۴- در جایی که استفاده از پست نامعقول است، مثلاً پاسخگویی بوسیله پست درجه دو (غیر سریع) به یک ایجاب شفاهی، یا تلگرافی یا قبول به وسیله پست در آستانه یک اعتصاب پستی، در دعوی مزبور مقرر شد که این قاعده نباید در مواردی که مشقت آشکار یا نتیجه مسخره و بی‌معنایی به بار می‌آورد اعمال گردد. هرچند در مورد این نکته هیچ منبعی در حقوق انگلستان وجود ندارد ولی به نظر می‌رسد در جایی که قاعده پستی اعمال می‌شود، طرف ایجاب بتواند پس از پست کردن قبولی خود، آن را با یک وسیله تماس سریعتر مثلاً با تماس تلفنی پس بگیرد، تصمیم متخذه در دعوی اسکاتلندی «دانمود علیه الکساندر» که ظاهراً چنین استرداد را اجازه می‌دهد،

قابل اعتماد نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد اکثریت دادگاه در مورد این دعوی چنین تصمیمی را اتخاذ ننموده‌اند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷، ص ۳۳ و ۳۴)

پاره ای از حقوقدانان انگلیسی تراضی را زمانی کامل می‌پندارند که قبول به اطلاع‌گوینده ایجاب برسد، منتها فناعت به پست کردن نامه را زاده نیاز و مصلحت تجارت می‌بینند اینان در توجیه نظر خود می‌افزایند که گوینده ایجاب، خود پست را بعنوان وسیله ارتباط و تبادل نظرها برگزیده است پس بایستی نتایج این انتخاب را تحمل کند. (MacKenderick'2000'p43'44)

«قبول باید به طرف مقابل واصل گردد و قرارداد در این زمان منعقد می‌شود. ولی ایجاب کننده می‌تواند از این حق بگذرد و وصول قبولی را لازم نداند.» (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۹۵) همین نویسنده در ادامه با قائل شدن به نظریه ارسال آورده‌اند: «با وجود این در حقوق انگلیس، هر گاه قبول از طریق پست ارسال شود تحویل آن به ادراه پست یا انداختن آن به صندوق پستی برای نفوذ قبول و انعقاد قرارداد کافیست.» (همان)

مشکلات قاعده پستی:

قاعده منجر به مشکلات اساسی می‌شود که دو مشکل از چنین مشکلاتی در اینجا می‌آید:

۱- گم شدن نامه در پست: عملکرد منطقی به قاعده این است که به لحاظ تاثیر قبولی در هنگام پست، قرارداد منعقد شده است این موضوع در پرونده شرکت بیمه آتش سوزی و گرانت (در سال ۱۸۹۹) پذیرفته شده، ولی در اسکاتلند این نظر به وسیله لرد شاندر در دعوی مازون علیه شرکت بنهار (در سال ۱۸۸۲) مورد قبول قرار نگرفت، وی اظهار داشت به نظر وی در جایی که نامه پست شده، ولی هرگز به دست ایجاب کننده نرسیده عقد منعقد نشده است. با این حال حقوق انگلیس، اخیراً این نظر را پذیرفته است که قرارداد در زمان پست کردن نامه قبولی منعقد شده است؛ هرچند نامه در پست گم شود، هرچند پروفیسور تریتل در سال ۱۹۹۵ نظر داده است که زمانی که دلیل گم شدن نامه این است که به وسیله شخص قبول کننده به درستی خطاب نشده، لذا قبول در لحظه پست نامه قبولی صورت نمی‌گیرد، برای اینکه ایجاب کننده خطر تاخیر یا گم شدن نامه قبولی را تحمل می‌کند، دیگر خطر عدم مراقبت قبول کننده را نمی‌تواند تحمل نماید.

۲- مشکل اساسی دوم امتناع قبول کننده از قبولی پس از پست کردن آن و قبل از وصول به ایجاب کننده با وسیله سریعتر، مثل تلفن است در چنین موردی نظر منطقی این است که قرارداد منعقد شده است و چنین امتناعی، استرداد ایجاب محسوب نمی‌شود، بلکه نقض قرارداد بوده و ممکن است به وسیله ایجاب کننده اصلی اولیه، قبول یا رد شود. ولی ممکن است گفته شود که

نظر به انعقاد قرارداد مضحک خواهد بود زمانی که هر دو طرف بر واقعیت متکی بوده و قراردادی را بوجود آمده نمی‌دانند (هرچند در چنین موردی می‌تواند گفته شود که هر دو طرف وارد یک قرارداد دومی شده‌اند که بر اساس آن موافقت نموده‌اند از حقوق و تعهدات خود ناشی از قرارداد اول اعراض نمایند) از طرف دیگر می‌توان گفت وقتی که قائل به عدم تشکیل قرارداد در زمان پست کردن نامه قبولی گردیم، به ایجاب شونده اجازه خواهد داد که به هزینه ایجاب‌کننده یک امتناع از قبولی را با وسیله‌ای سریع تر برای ایجاب‌کننده ارسال نماید، در جایی که قرارداد به نفعش تمام نمی‌شود.

اما محاکم انگلیسی پذیرفته‌اند که قلمرو استثنائات نسبت به قاعده را گسترش (توسعه) دهند؛ و پذیرفته شده است که رهیافت بهتری قاعده کلی را منسوخ نموده قاعده معمولی وصول قبولی توسط ایجاب را جایگزین نماید. منوط به اینکه قابل پس از پست قبولی نتواند آن را پس بگیرد. (MacKenderick'2000'p.43-44)

نظریه مورد پذیرش در حقوق ایران

در حقوق ایران به نحوه و زمان انعقاد عقد در عقود مکاتبه‌ای یا به طور کلی عقودی که بدون حضور طرفین عقد در یک مجلس و با انشاء ایجاب و قبول به صورت متوالی صورت می‌گیرد اشاره‌ای نگردیده است؛ مگر در قانون تجارت الکترونیک که، آن را تابع قواعد عمومی دانسته است و قواعد عمومی این امر هم باید در لابلای مواد قانون مدنی به عنوان قانون مادر جستجو گردد.

با توجه به عدم تصریح مقنن در خصوص تعیین زمان انعقاد عقود مکاتبه‌ای، باید با توجه به قواعد عمومی حاکم بر ایجاب و قبول و چگونگی انشاء عقد ارائه طریق نمود. در عقود حضوری و یا حتی تلفنی، زمانی که قبول به ایجاب ملحق گردد عقد کامل گردیده و از همان لحظه آثار خویش را خواهد گذاشت مگر در مورد عقود معلق که اثرگذاری آنها به زمان حصول معلق علیه محول و موکول می‌گردد لذا با توجه به مقدمه مزبور، باید ببینیم که این امر در عقود مکاتبه‌ای چه زمان محقق می‌گردد یعنی دقیقاً در چه زمانی می‌توانیم قبولی شخص قبول‌کننده را به ایجاب موجب ملحق نمائیم تا عقد مزبور از همان لحظه تشکیل شده محسوب گردد.

در این مورد بین حقوقدانان کشورمان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی نظریه اعلان قبولی (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۳۵۸، صفایی، ۱۳۸۲، ص ۷۶، صفایی، ۱۳۸۷، ص ۹۵، قاسم زاده، ۱۳۸۵، ص ۶۸)، عده‌ای نظریه ارسال قبولی (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۴) و در مقابل برخی دیگر به ارسال هم اکتفا ننموده بلکه وصول قبولی به دست موجب را نیز لازم می‌دانند و نظر نادری نیز اطلاع موجب از

قبولی قابل را برای تحقق عقد لازم دانسته اند و قائل به نظریه اطلاع از میان نظرات چهارگانه گردیده اند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۳۵۸)

یکی دیگر از حقوقدانان کشورمان در این خصوص اظهار نظر نموده اند که: از تلفیق مواد ۱۹۱، ۱۸۳ و ۱۹۴ قانون مدنی، این اصل کلی حقوقی استنباط می‌شود که معامله صرفاً پس از قبول طرف معامله محقق می‌گردد. (نصیری، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶) همین نویسنده، در جای دیگر به تبعیت از سیستم حقوقی انگلیس و قائل شدن به قاعده پستی، بیان می‌دارند: این نکته روشن به نظر می‌رسد که از لحاظ مقتضیات عملی تجارت بین‌المللی، بهترین ضابطه ای را که می‌توان قبول کرد، نظریه انعقاد معامله از زمان تسلیم قبولی به دفتر پست یا ارسال نامه الکترونیکی است و سپس دلایل خویش برای اتخاذ نظریه مزبور را توضیح داده اند. (همان، ص ۱۲۷)

با توجه به اینکه اعلام قبولی باید همراه با ابراز کننده خارجی باشد تا قابلیت اثبات داشته باشد لذا مرحله اعلان قبولی بدون داشتن ابراز کننده خارجی کافی نیست، بلکه پس از ارسال قبولی از سوی قبول کننده، اراده انشایی وی صورت خارجی و عملی به خود گرفته و اراده واقعی وی برای انشاء عقد را نشان می‌دهد اما وصول قبولی مزبور به دست ایجاب کننده یا اطلاع وی از قبولی را برای تحقق چنین عقود دیگر ضرورت نخواهد داشت. لذا قبول نظریه ارسال در سیستم حقوقی ایران با قواعد عمومی حاکم بر موضوع مطابقت بیشتری دارد.

نتیجه

با توجه به مباحث مطرح شده، از بین نظرات چهارگانه «اعلام»، «ارسال»، «وصول» و «اطلاع» نظریه ای که مورد قبول تدوین کنندگان کنوانسیون ۱۹۸۰ وین قرار گرفته، نظریه «وصول» می‌باشد که البته این قاعده کلی با استثنائاتی مواجه است. از جمله، در جایی که قبول عملی یا عمل مطابق رویه متداول بین طرفین یا عرف و عادت تجاری مورد پذیرش قرار گیرد و در نتیجه، قبول در زمان دیگری غیر از وصول آن به دست ایجاب کننده منعقد گردد قاعده جاری نخواهد شد و دیگر آن که، با توجه به امکان عدول از مقررات کنوانسیون یا اتخاذ شیوه دیگری که حتی چه بسا موجب تحقق قبولی و انعقاد عقد فیما بین بدانند دیگر از نظریه وصول پیروی نخواهد شد.

در حقوق انگلیس با توجه به این که سیستم حقوقی غیر مدون حاکم است رویه قضایی و عرف تکلیف قضیه را مشخص می‌نمایند، نظرهای متفاوتی از سوی حقوقدانان این کشور اظهار شده، ولی آنچه توسط اکثریت ایشان پذیرفته شده نظریه «ارسال» می‌باشد که موسوم به قاعده پستی نیز می‌باشد. البته منوط به رعایت محدودیت‌ها و مشکلات خاصی که پذیرش نظریه را در حقوق

انگلیس با مشکل مواجه می‌کند، رویه قضایی نیز حسب اظهار نظر حقوقدانان در صدد ایجاد تحول و جایگزینی نظریه وصول بجای نظریه ارسال می‌باشد. در حقوق ایران نیز به نظر می‌رسد از بین نظرات چهارگانه مزبور، با توجه به قواعد عمومی حاکم بر قضیه، پذیرش نظریه ارسال، به لحاظ احراز اراده انشایی قبول کننده در قبول ایجاب واقع شده، منطقی‌تر باشد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی

۱. داراب پور، مهربان، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیری بر حقوق بیع بین المللی کالا، دوره سه جلدی، جمعی از نویسندگان، تهران، چاپ اول، گنج دانش.
۲. شهیدی، سید مهدی، ۱۳۷۷، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، چاپ اول، نشر حقوقدان.
۳. صدیقی، ایرج، ۱۳۶۹، ترجمه کتاب ژان پی یر پلانناریا، مجله حقوقی شماره چهاردهم، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
۴. صفایی، سیدحسین، ۱۳۸۲، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر میزان.
۵. صفایی، سیدحسین، ۱۳۸۷، حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. قاسم زاده، سید مرتضی، ۱۳۸۵، اصول قراردادها و تعهدات، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
۷. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۸. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۷۷، ترجمه مختصری از حقوق قراردادها، اثر رابرت دوکسبازی، تهران، چاپ اول، نشر حقوقدان.
۹. نصیری، مرتضی، ۱۳۸۳، حقوق تجارت بین الملل در نظام حقوقی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر،

ب. خارجی

1. Brown. W. 2009, **J,G-C.SE law** ,4th edition, Hodder education.
2. Hans Smit 'Nina M. Galstone' Serge L. Levitsky' 1981, **International Contracts**, New York, Matthew Bender.
3. Honnold, John, 1999, **Uniform Law for International Sales**, 3th ed, kluwer Law Institute.
4. MacKenderick , 2000, Ewan ,**Contract Law** , 4th ed, Amazon.
5. Padfield .C.F, 2007, **Law Made Simple**, 12th ed , Amazon ,
6. Ruff, Anne, 2002, Law Texts, 4th ed, Oxford University Press.